

آینده انقلاب اسلامی در اندیشه شهید مطهری

سیدرضا زمانی *

چکیده

در اندیشه شهید مطهری، آینده مطلوب انقلاب اسلامی طراحی شده است. ایشان با محور قراردادن اسلام و ارزش‌های اسلامی، تداوم، استمرار و آینده انقلاب را مبتنی بر حفظ و تحقق چهار رکن عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و معنویت اسلامی می‌داند. علاوه بر این، لازمهٔ ترسیم بهتر آینده را نیم‌نگاهی به گذشته دانسته و با توجه به تجربهٔ تاریخی نهضت‌های اسلامی، شناسایی چالش‌ها، آسیب‌ها و آفت‌های داخلی و خارجی پیش‌رو، تلاش در جهت رفع آنها را ضروری می‌شمرد. همچنین، تربیت انسان‌های مؤمن با رشد فکری و اخلاقی و معتقد به آرمان‌های انقلاب را برای تحقق اندیشهٔ حقیقی انقلاب اسلامی لازم می‌دانند و در عین حال، معترفند که موارد یاد شده، تنها شرط لازم است نه شرط کافی.

واژگان کلیدی

انقلاب، انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری.

*. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران.

مقدمه

با وقوع هر انقلابی، نخستین پرسشی که به ذهن تبادر می‌کند آنست که آیا انقلاب‌ها پایدار خواهند ماند؟. فرجام هر انقلابی چیست و سرنوشت تحولات پس از آن، چگونه رقم خواهد خورد؟. چه عوامل و عناصری زمینه بقا و استمرار و یا به عکس، زمینه تزلزل و ضعف انقلاب را به دنبال خواهد داشت؟. تاریخ، شاهد وقوع انقلاب‌های متعددی بوده که نتوانسته‌اند در برابر آسیب‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی پایدار بمانند و یا در برابر اصول و آرمان‌های خود، مقاومت و استقامت کنند. با این حال، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به رهبری بزرگ مرد تاریخ، حضرت امام خمینی ره و حضور و حمایت چشمگیر مردم متدین ایران، این سؤال به ذهن می‌رسید که آینده انقلاب اسلامی چگونه خواهد بود؟. آیا این انقلاب به اهداف و آرمان‌های اسلامی خود خواهد رسید؟. آیا در مقابل طوفان سهمگین دشمنان داخلی و خارجی و اندیشه‌های متضاد، توان مقاومت و ایستادگی دارد؟ و در نهایت، برای ماندن و تحقق آرمان‌های خود، چه برنامه‌ها، روش‌ها و اعمالی را می‌بایست در دستور کار قرار دهد؟.

انقلاب اسلامی در ایران، فصل جدیدی از هویت فرهنگی و تاریخی این سرزمین را رقم زد و طلیعه تمدنی تازه را نوید داد که بر ارزش‌ها و آرمان‌های قدسی دین اسلام استوار است. انقلاب اسلامی در یک نگاه تحلیلی - تاریخی، فراتر از یک پدیده اجتماعی یا واقعه تاریخی صرف است؛ زیرا شرایط و علل وقوع و استمرار آن، در بردارنده عناصری است که توان و استعداد ایجاد دگرگونی‌های جدی و بنیادی را در زندگی انسان معاصر دارا است و به همین سبب، می‌بایست آن را پدیده‌ای تاریخ‌ساز و تحول‌آفرین در جهان معاصر قلمداد کرد که با نگاه خدامحور و با تکیه بر آموزه‌های دین اسلام و در چارچوب کلی نبرد حق علیه باطل، مسیر رو به رشد خود را می‌پیماید.

برای تبیین بهتر اهداف این پژوهش، اشاره به نکاتی چند، ضروری به نظر می‌رسد:

الف) انتخاب مفهوم «آینده انقلاب اسلامی» با توجه به متن پرسش و پاسخی است که در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی آمده و منظور از این سؤال، آینده‌پژوهی نیست، بلکه چگونگی استمرار و تداوم انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن، مورد نظر است.

ب) از آن‌جا که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی به حساب می‌آید و انتظار می‌رود که اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در این نظام به وقوع بپیوندد، شهید مطهری به ارایه راهکارهایی برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. گرچه می‌تواند منحصر به ایران نباشد؛ زیرا هر جا که انقلاب اسلامی زمینه تحقق داشته باشد، این شرایط را لازم دارد.

ج) موضوع آینده انقلاب در این پژوهش، به این معنی است که با توجه به عوامل مؤثر بر پیروزی و شکست انقلاب‌ها و با نگاه به اصول، ارکان و آرمان‌های انقلاب، آنچه می‌تواند بر تداوم و استمرار انقلاب اسلامی اثر گذارد و موجب رشد و تعالی آن واقع شود، بررسی چالش‌ها و موانع احتمالی پیش روی آن است. از آن‌جا که در تحلیل آینده انقلاب، دیدگاه‌های رهبران انقلاب که اغلب از نظریه پردازان آن محسوب می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این تحقیق بر محور اندیشه استاد شهید، مرتضی مطهری که یکی از رهبران و نظریه پردازان انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، استوار گردیده است.

ضرورت و اهمیت بحث از آینده انقلاب اسلامی

سی سال پیش، هنگامی که استاد شهید، مرتضی مطهری، در برابر این سؤال قرار گرفت که آینده انقلاب اسلامی ایران را چگونه می‌بینید؟ شاید کمتر کسی به اهمیت آن پی

می‌برد و شاید تصور نمی‌شد که انقلاب اسلامی به یکی از اساسی‌ترین مباحث فکری قرن آینده درآید و پاسخ به این پرسش، به یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان و سیاستمداران این عصر تبدیل شود. اما این رویداد مهم با سرنوشت بسیاری از کشورها و دولت‌ها پیوند برقرار کرد و به عنوان الگوی یک نهضت بیداری دینی، مورد توجه بسیاری از ملت‌های آزاده، به ویژه جهان اسلام، قرار گرفت.

البته اهمیت این موضوع برای مردم ایران و خصوصاً نخبگان فکری، مذهبی و سیاسی جامعه ایرانی به دلایل گوناگون، از نمود بیشتری برخوردار است؛ زیرا اولاً؛ به گونه‌ای سرنوشت اسلام اصیل در جهان امروز، با انقلاب اسلامی ایران پیوند خورده است که هر گونه سهل‌انگاری، سستی و کوتاهی در حفظ و تداوم انقلاب، می‌تواند صدمه و ضربه‌ای بر پیکر اسلام راستین باشد. چنانچه امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

امروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسلمین در ایران و سرنوشت کشور ما به دست ملت است و اگر مسامحه کنند در این امر، اهمال کنند...مسئولیت متوجه خود آنهاست ... اگر شما مسامحه کنید، آنهایی که می‌خواهند شما را به بند بکشند، آنهایی که با اسلام مخالفند، آنهایی که با جمهوری اسلامی از اول تا حالا مخالفت کرده‌اند، آنها خواهند پیش برد و اگر چنانچه خدای نخواستہ آنها پیش ببرند...تمام مسئولیتش به عهده شماست...مراجع مسؤولند، علما مسؤولند...همه مسؤولند، تمام قشرهای مملکت امروز مسؤولند. امروز روزی است که آنهایی [که] از اول تا حالا مخالف جمهوری اسلامی بودند، مخالف با اسلام بودند، اسلام را مخالف مقاصد خودشان می‌دیدند، آنها به دست و پا افتاده‌اند و دارند تبلیغات می‌کنند...همه در پیشگاه خدای تبارک و تعالی مسؤول هستید و در پیشگاه ملت و نسل‌های آتیه هم مسؤول هستید. (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۲: ۶ و ۷)

و در جای دیگر می‌فرماید:

... با هم باشید، اگر با هم نباشید شکست می‌خورید، اگر شکست بخورید اسلام شکست می‌خورد، اگر خدای نخواستہ در این نهضتی که شده است اسلام شکست بخورد، دیگر سرش را تا سال‌های طولانی بلند نمی‌تواند بکند، برای این که ابرقدرتها فهمیدند اسلام

قدرت دارد شما این قدرت اسلام را حفظ کنید از خدای تبارک و تعالی عاجزانه تقاضا می‌کنم که ما را بیدار کند، مسلمین را بیدار کند. (همان، ج ۱۹: ۶۴)

ثانیاً؛ به سبب ضرورت حفظ نظام جمهوری اسلام به عنوان بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی و به منظور تحقق اهداف عالی اسلام و اجرای احکام اسلامی، بحث از آینده و چگونگی تحقق آن، بیش از پیش ضروری می‌نماید. امام خمینی علیه السلام به دنبال رأی عموم مردم ایران به جمهوری اسلامی فرمودند:

آنچه گذشته است بحمد الله خوب گذشت، لکن آنچه مهم است، این است که تکلیف ما در حال، چه است و در آینده؟ ما باز جمهوری اسلامی را به آن طور که می‌خواهیم، تحقق پیدا نکرده. البته الان رژیم فعلی برحسب رفتارندومی که شد، رژیم جمهوری اسلامی است، لکن ما مقصودمان نبود که فقط رأی بدهیم به جمهوری اسلامی و برویم کنار. ما جمهوری اسلامی را می‌خواهیم که احکام اسلام در آن جمهوری تحقق پیدا کند. احکام اسلام در سراسر کشور و انشاء الله در سراسر بلاد مسلمین و امید است که سرتاسر کشورهای همه جا باشد. ... جمهوری اسلامی همه چیزش باید اسلامی باشد. (همان، ج ۷: ۹۱ و ۹۲)

علاوه بر این که با شناخت واقعی مؤلفه‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی و تبیین آرمان‌ها و اهداف اصیل آن و ترسیم و طراحی آینده مطابق آرمان‌ها، اصول و اهداف، وظیفه و تکلیف امروز ما در چگونگی اعمال و رفتارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، روشن می‌شود و با توجه به فضای سیاسی امروز که مدعیان، با دیدگاه‌های متضاد، جملگی خود را پیرو خط اصیل انقلاب می‌دانند، مسیر و راه حقیقی تبیین و خط نفاق آشکار می‌شود.

دیدگاه‌ها و تفاسیر در مورد آینده انقلاب‌ها

پس از هر انقلابی، حساس‌ترین مسأله، موضوع تداوم و آینده انقلاب بوده است. هر چه

فاصله زمانی از دوران پیروزی انقلاب بیشتر می‌شود، ضرورت بحث از چگونگی استمرار، تداوم و آینده انقلاب برای فرزندان انقلاب بیشتر احساس می‌شود. از این رو، دیدگاه‌ها و تفاسیر مختلفی از انقلاب‌های موجود صورت گرفته که به گوشه‌ای از این تفاسیر اشاره می‌کنیم:

یکی از دیدگاه‌هایی که با بررسی چهار انقلاب بزرگ جهان، صورت گرفته، نظریه «کرین بریتون» در کتاب «کالبد شکافی چهار انقلاب» است. وی سعی دارد نظریه خود را به عنوان یک مدل قابل تعمیم بر همه انقلاب‌ها قلمداد کند. در دیدگاه او که تحت عنوان «ترمیدور» یا بازگشت به ارزش‌های پیشین، مطرح شده است، یکنواختی انقلاب‌ها دارای سه مرحله مهم هستند: دوره اول؛ پیروزی انقلاب و به قدرت رسیدن میانه‌روها. دوره دوم؛ دوره اقتدار نیروهای رادیکال. دوره سوم؛ بازگشت به ارزش‌های پیشین. (ر.ک بریتون، کالبد شکافی چهار انقلاب)

«بریتون» مراحل هفت‌گانه اقتصاد رو به نزول، شکست مالی حکومت، حکومت ناکارا، تغییر بیعت روشنفکران، تباهی طبقه حاکم، ناهمسانی‌های طبقاتی و ناکامی در کاربرد زور را به عنوان سیر تکاملی و تکوینی چهار انقلاب مورد نظر خویش مطرح کرده است. وی در ادامه به دوران پس از پیروزی انقلاب و بازگشت نظام اجتماعی به ارزش‌های پیشین به عنوان رفتار محتوم یک انقلاب اشاره می‌کند. او بدون توجه به نظام ارزشیابی جامعه، از میزان موفقیت یا عدم موفقیت انقلاب‌ها، سعی دارد «ترمیدور» را به عنوان یک اصل کلی مطرح کند. وی همچنین در کتاب «از انقلاب مذهبی کرامول تا انقلاب سرخ لنین»، به تمایل انقلاب‌ها به گسترش و صدور به سایر کشورها اشاره می‌کند و معتقد است ظهور رادیکالیسم اعتقادی و صدور انقلاب (مرحله اول) فقط در مقطع زمانی آغاز انقلاب که با هیجانات و شور فراوان همراه است، رخ می‌دهد. از نظر او، مرحله دوم انقلاب، دوران عادی شدن انقلاب است. (محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی: ۴۱ - ۴۵)

تحلیل و نقد نظر «برنتون» که می‌توان آن را جبر تاریخی انقلاب‌ها دانست، به گونه‌ای ناظر به فروپاشی و یا استحاله انقلاب‌ها می‌باشد و عملاً، قضاوت در مورد چهار انقلاب فرانسه، آمریکا، انگلیس و روسیه بوده و بیان حالت انقلاب در دوران گذار است و با توجه به این که این دیدگاه یازده سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی ارایه شده، نمی‌تواند تحلیل درستی از انقلاب اسلامی داشته باشد. (عسگری، آینده انقلاب: ۹۲ - ۹۴)

«دکتر رفیع پور» در کتاب «توسعه و تضاد» در مورد آینده انقلاب‌ها می‌نویسد:

نیروهای مؤثر در پیدایش انقلاب، بیشترین تأثیر را بر روند آینده دارند و این روند را بر اساس اهداف، ارزشها و ایدئولوژی خود شکل می‌دهند. بر اساس تئوری «کوزر» و تئوری مربوط به دینامیزم گروهی، با از بین رفتن دشمن مشترک برای اعضای یک گروه، وحدت قبلی آنها کاهش می‌یابد و تجزیه درون گروهی آغاز می‌گردد. در این فرایند، بالطبع افرادی که دارای موضع قوی‌تری هستند، موفق تر خواهند بود و جنگ قدرت، سریعتر به نتیجه خواهد رسید، هر چند که برای موفقیت خود، هزینه‌های نسبتاً زیادی باید بپردازند. اما اگر نیروها با هم از نظر قدرت، تفاوت فاحش نداشته باشند (تئوری کورپی) فرسایش دو گروه زیاد خواهد بود (مانند افغانستان بعد از رفتن نیروهای روسیه). «تیلی» عوامل مؤثر برای این وضعیت را، یکی نیروی نظامی و دیگری توانایی بسیج مردم می‌داند. که توانایی در بسیج مردم نیز به نوبه خود در درجه اول تابع داشتن رهبر توانا و یک ایدئولوژی نوید دهنده و امید بخش می‌باشد. و در درجه بعد، ابزار بسیج بالاحص رادیو و تلویزیون و عناصر متنفذ خارجی تأثیر بسزایی دارد. (رفیع پور، توسعه و تضاد: ۱۱۲)

«اسکاچ پل» که در ابتدای سال ۱۹۷۹، دوام و قوام انقلاب را بیشتر به شرایط اقتصادی آن کشور وابسته می‌دید، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به پیروی از «تیلی»، تداوم انقلاب را تابع دو عامل: میزان توانایی در بسیج مردم و ابزار قدرت و توانایی نیروی نظامی، بیان کرد. (همان: ۱۱۰)

نگاه دیگری که در زمینه آینده انقلاب‌ها وجود دارد، فرایند «عادی‌سازی» انقلاب‌ها است. «داوود مهدوی زادگان» در کتاب «عادی‌سازی جنبش‌های مردمی در ایران معاصر» در این زمینه می‌نویسد:

انقلابها و جنبش‌های مردمی در کشاکش تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی، فرایندی را پشت سر می‌گذارند که از آن با عنوان «عادی‌سازی»، «روزمره شدن» و «نهادینه شدن» انقلاب‌ها یاد می‌شود. گویی سرنوشت محتومی برای تمام انقلاب‌ها می‌باشد. ... بنا بر یک تعریف، عادی‌سازی، فرآیند گذار از جنبش مردمی یا وضعیت انقلابی به حالت «عادی» است که ممکن است تداوم جدی‌تر وضعیت پیش از وقوع جنبش مردمی، یا تأسیس نظام اجتماعی جدید باشد. ... جامعه در این نوع عادی‌سازی، با دگرگونی مشروعیت سیاسی روبروست. اگر جنبش مردمی، هویت معنویت خواهانه (نه سنتی) داشته و از رهبری مذهبی بهره‌مند باشد، عادی‌سازی به معنای پیشین (گذر از وضعیت انقلابی) تفسیر دیگری نیز دارد و آن دنیوی شدن و عرفی شدن است؛ زیرا جامعه در فرایند عادی‌سازی، به تدریج از خواسته‌های معنوی و آخرتی فاصله گرفته، نیازهای مادی و دنیایی را جایگزین آنها می‌کند. ... معنای دیگر عادی‌سازی، هنجارمند شدن آرمان‌ها و شعارهایی است که در متن جنبش مردمی طرح شده است. و به عبارت دیگر، تعمیق و همگانی‌تر شدن فرهنگ انقلاب است. (مهدوی زادگان، عادی‌سازی جنبش‌های مردمی در ایران معاصر: ۱۳ - ۱۴)

وی در ادامه می‌نویسد:

سخن در معنای اول عادی‌سازی است. ... سنگینی آرمان‌های انقلاب، ممکن است برای نسل بعد از انقلاب، طاقت فرسا و دست نیافتنی تلقی شود و اهداف میان مایه و بی دردسر را طلب کند. البته جوامعی که از فرهنگ کهن و غنی برخوردارند، ظرفیت بالای خود را در پذیرش مسؤولیت‌های تاریخ ساز نشان داده‌اند؛ به هر رو، در درون جامعه انقلابی عناصر خاصی وجود دارند که خواسته‌هایی بر خلاف جنبش مردمی در سر می‌پروراند؛ این عناصر، ظرفیت کارگزاری عادی‌سازی را بیش از دیگران دارند. بخشی از این عناصر، آرزومند پیش از انقلاب و بخشی دیگری نیز خواهان الگوهای اجتماعی ملل پیشرفته هستند. (همان: ۱۴)

مهدوی زادگان فرض اساسی در این زمینه را چنین تبیین می‌کند که:

سرانجام، هر جنبش مردمی، دیر یا زود با فرایند عادی‌سازی درگیر می‌شود که پیامد مثبت آن، تکامل و پیشرفت صورت اولیه جنبش و پیامد منفی آن تغییر و سیر قهقرایی آن می‌باشد. (همان: ۱۱ و ۱۲)

وی به مصادیق عادی‌سازی انقلاب، پس از پیروزی آن پرداخته است. او که محور

تمرکز انقلاب را در اندیشه رجعت به تفکر اسلامی می داند و تحلیل انقلاب در چارچوب تفکر مدرن را نوعی کجروی بر می شمرد، به پروژه خنثی سازی اندیشه انقلاب اسلامی و تاکتیک‌های آن اشاره کرده و سه پروژه: حذف میراث رهبری، حذف نخبگان دینی انقلاب و چالش با مردم انقلابی برای عادی سازی انقلاب را تبیین می کند. در واقع با بیان نگرانی از روند تغییرات فکری جریان روشنفکری غرب‌گرا معتقد است آنچه هدف این جریان قرار گرفته، خنثی سازی تفکر انقلابی است. (عسگری، همان: ۹۸ - ۱۰۰)

دکتر «منوچهر محمدی» نیز دیدگاهی را در مورد مسایلی که انقلابیون پس از پیروزی در انقلاب با آن مواجه هستند و راهکارهایی که با انجام آن، آینده انقلاب تضمین می گردد را ارایه کرده است که به اختصار بیان می شود:

مهمترین مسایلی که انقلابیون بعد از پیروزی انقلاب با آن مواجه هستند:

الف) در این مرحله انقلابیون ناچارند سریعاً وظایف و مسئولیت‌های نظام سیاسی جدید را بپذیرند و از عهده اجرای آنها برآیند. در حالی که به دلایلی از جمله عدم آشنایی با ماشین دولتی و فقدان تجربه کافی و نداشتن نیروی متخصص و مجرب با گرفتاری‌های زیادی مواجه هستند؛ و این در شرایطی است که توقعات فزاینده گروه‌های اجتماعی، مشکلات بیشتری به وجود خواهد آورد و از طرف دیگر، پس از سقوط قدرت سیاسی، مدتی طول می کشد تا کلیه ارزش‌ها، نهادها، ساخت‌ها و افراد وابسته به سیستم سیاسی گذشته جای خود را به نظام جدید بسپارند.

ب) مبارزه و درگیری انقلابیون در این مرحله تمام نمی شود، بلکه به صورتی دیگر در دو جناح داخل و خارج حاکمیت انقلابیون، خواهد بود.

۱. مبارزه داخل حوزه حاکمیت: در داخل جامعه، انقلابیون باید با دو گروه از مخالفین به مبارزه و درگیری ادامه دهند. گروه اول: وابستگان به رژیم سیاسی سابق و گروه دوم: کسانی که در مورد سقوط رژیم قبل با انقلابیون توافق داشته‌اند اما در مورد نوع سیستم رژیم جایگزین توافقی ندارند و تلاش می کنند که سیستمی مطابق با خواسته‌ها و

ایده‌آل‌های خود ایجاد کنند.

۲. مبارزه خارج از حوزه حاکمیت: در خارج از حوزه حاکمیت نیز انقلابیون با دو نوع مخالفت مواجه می‌شوند: نوع اول مخالفت رژیم‌هایی که از لحاظ نوع حاکمیت و ارزش‌های مسلط، تشابه زیادی با قدرت سیاسی ساقط شده دارند و می‌ترسند که پیروزی انقلابیون، زمینه تحریک گروه‌های اجتماعی جامعه آنها را فراهم کند. نوع دیگر مخالفت از جانب نظام‌های سیاسی جوامعی است که رابطه بسیار نزدیکی با نظام سیاسی ساقط شده دارند و حتی منافع و نفوذ زیادی در آن نظام داشته‌اند و اکنون منافع آنها در معرض خطر قرار گرفته است.

شیوه‌ها و تاکتیک‌های مخالفت گروه‌های مزبور، عمدتاً کار بر روی سه رکن اصلی انقلاب (رهبری، مردم و ایدئولوژی) می‌باشد. آنها با ایجاد اختلاف و تفرقه در رهبری و گروه‌های اجتماعی معتقد به انقلاب و همچنین با تضعیف ایدئولوژی و کاهش کارایی آن و تلاش در جلوگیری از پیاده شدن ابعاد مختلف ایدئولوژی، سعی می‌کنند انقلاب را از محتوا خالی کنند و موجبات یأس و بدبینی پیروان آن را فراهم آورند. (محمدی، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه: ۵۶ - ۵۸)

وی شرط اساسی پیروزی انقلابیون بر همه مشکلات سیاسی - اجتماعی پیش گفته و مخالفت‌های داخلی و خارجی را، تنها حفظ وحدت و یکپارچگی در سه رکن اساسی انقلاب، یعنی: رهبری، مردم و ایدئولوژی می‌داند. او معتقد است، هر قدر رهبری انقلاب، مقبولیت داشته باشد و کفایت بیشتری به خرج دهد و هر چه گروه‌های اجتماعی سهیم در پیروزی، در تداوم آن به صورت متحد تلاش و گروه‌های وسیع‌تری را جذب کنند و هر چه ایدئولوژی انقلاب، فراگیرتر و پاسخگوی ابعاد گسترده‌تری از زندگی جامعه انقلابی باشد، موفقیت و تداوم انقلاب نیز بیشتر تضمین خواهد شد. (همان: ۶۰)

در تحلیل و نقد دیدگاه‌ها و تفاسیر یاد شده باید گفت که: عمده این دیدگاه‌ها، بیان

وضعیت و حالت انقلاب در یک دوره معین است که مثلاً در دیدگاه «برنتون»، بررسی چند وضعیت مشابه در چهار انقلاب، انجام شده است و برای انقلاب‌های بعدی نمی‌تواند مفید باشد؛ مگر این که معتقد به جبری بودن تاریخ باشیم که آن هم با وجود مصداقی مثل انقلاب اسلامی نقض شده است. همچنین است دیدگاه «مهدوی زادگان» و «منوچهر محمدی» که هر یک از زاویه‌ای، تبیین وضعیت و حالت دوران‌گذار انقلاب اسلامی است و نمی‌تواند به عنوان یک ایده برای انقلاب‌ها در نظر گرفته شود. گرچه این ویژگی‌ها می‌تواند برای همه انقلاب‌ها، حالت کم و بیش یکسانی را داشته باشد، مثل کمتر شدن احساس و شور انقلابی بر اثر روند رو به جلوی انقلاب.

علاوه بر این که برخی تفاوت دیدگاه‌ها و روش‌ها و متکامل‌تر شدن شیوه‌های عقلانی، امری طبیعی است. ضمن آن که مراحل گوناگون هر انقلاب را باید ویژه همان انقلاب دانست؛ زیرا شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی و همچنین شیوه رهبری و حوادث تأثیر گذار در روند هر انقلاب با سایر انقلاب‌ها تفاوت اساسی دارد و نمی‌توان یک قاعده کلی برای همه انقلاب‌ها ارایه کرد. از همه مهم‌تر، خصوصیات ویژه انقلاب اسلامی است که تمام نظریه‌های موجود را تحت تأثیر خود قرار داده است. این خصوصیات، نیازمند شناخت دقیق مؤلفه‌های دین اسلام و آرمان‌های انقلابی برگرفته از آن است، تا با تبیین درست آرمان‌ها و تلاش در جهت تحقق آنها و حفظ دستاوردها و نیز رفع آسیب‌های داخلی و خارجی انقلاب، زمینه را برای استمرار و تداوم انقلاب اسلامی فراهم نموده و آینده آن را تضمین کنیم.

گرچه «شهید مطهری» بیش از چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی را درک نکردند، اما با تیزبینی و دوراندیشی، مطالب ارزنده‌ای را در مورد آینده انقلاب اسلامی بیان داشته‌اند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

دیدگاه شهید مطهری در مورد آینده انقلاب اسلامی

شهید مطهری در منابعی که از خود به یادگار گذاشته، به ویژه در سه کتاب «پیرامون

انقلاب اسلامی»، «پیرامون جمهوری اسلامی» و «نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر» به موضوع انقلاب اسلامی پرداخته است. ایشان به تفصیل موضوعات؛ ماهیت، ریشه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی و به ویژه رهبری انقلاب اسلامی و شخصیت امام خمینی علیه السلام و رموز موفقیت ایشان در پیشبرد انقلاب را مورد تحلیل قرار داده است که فعلاً محور بحث این مقاله نیست.

ایشان از اولین شخصیت‌هایی است که در مورد آینده انقلاب اسلامی، مطالب ارزنده‌ای را بیان داشته است. آرای شهید مطهری در این زمینه از سنخ رفتار شناسی انقلاب و طراحی آینده است (عسگری، همان: ۱۳۳) و پیش‌بینی آینده از نظر وی، مردود می‌باشد. او تأکید می‌کند که در مسایل اجتماعی، آینده را نمی‌توان به صورت قطعی پیش‌بینی کرد؛ گر چه با تکیه بر دیدگاه الهی قرآن، آینده کلی بشریت، آینده‌ای توحیدی، هم به مفهوم فکری و اعتقادی و هم به مفهوم اجتماعی، است. (مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی: ۲۱ و ۲۲)

شهید مطهری به عنوان طراح فکری، سعی در طراحی آینده مطلوب انقلاب دارد. ایشان با محور قرار دادن اسلام و ارزش‌های اسلامی، تداوم و استمرار و آینده انقلاب اسلامی را مبتنی بر حفظ و تحقق چهار رکن: عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و معنویت اسلامی می‌داند. البته در کنار این شروط، ملاحظات دیگری را نیز ضروری می‌دانند. به عبارتی، اینها شرط‌های لازم بوده نه همه شرط‌ها. (همان: ۲۲ - ۲۴)

شهید مطهری در کنار تأکید بر حفظ و تحقق آرمان‌ها و ارکان انقلاب، با توجه به تجربه تاریخی نهضت‌های اسلامی، به ویژه انقلاب مشروطه و حوادث پس از آن و نهضت ملی شدن صنعت نفت، توجه به چالش‌های پیش رو، آسیب‌ها و آفت‌های داخلی و خارجی و تلاش در جهت رفع آنها را ضروری می‌داند. همچنین ایشان منابع انسانی را مورد توجه قرار داده و تربیت انسان‌های مؤمن با رشد فکری و اخلاقی و معتقد به

آرمان‌ها را برای تداوم انقلاب لازم می‌دانند.

در ادامه، محورهایی که از نظر شهید مطهری برای حفظ هویت انقلاب اسلامی در آینده ضروری است را به اختصار بیان می‌کنیم:

۱. اسلام و ارزش‌های اسلامی

شهید مطهری، ماهیت انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ را اسلامی می‌داند. به این معنی که در همه جهات مادی و معنوی و سیاسی و عقیدتی، روح و هویتی اسلامی حاکم است و تداوم و به ثمر رسیدن آن نیز بر همین مبنا و اساس اسلامی، امکان پذیر خواهد بود. علاوه بر این که، کوشش در جهت حفظ هویت اصیل انقلاب و استمرار اسلامی بودن آن را وظیفه همه مردم می‌داند. (مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ۴۸ و ۴۹)

شهید مطهری، همچنین به ابعاد جامع و فراگیر مفهوم اسلامی بودن پرداخته و می‌گوید:

از نظر ما این انقلاب، اسلامی بوده است. اما منظور از اسلامی بودن باید روشن گردد. بعضی‌ها فکر می‌کنند مقصود از اسلام، تنها همان معنویتی است که در ادیان بطور کلی و از جمله در اسلام وجود دارد. گروه دیگر می‌پندارند، اسلامی بودن به معنای رایج مناسک مذهبی و آزاد بودن انجام عبادات و آداب شرعی است. اما با وجود این تعبیرات، لااقل بر ما روشن است که اسلام، معنویت محض، آن چنان که غربیها درباره مذهب می‌اندیشند، نیست. (همان: ۴۱)

ایشان در ادامه با مشابه دانستن انقلاب اسلامی و انقلاب صدر اسلام، می‌گویند:

انقلاب صدر اسلام، در همان حال که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال انقلابی سیاسی، معنوی، اقتصادی و مادی نیز بود. یعنی حریت، آزادی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکافهای طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است.... راز موفقیت نهضت ما هم به همین‌ها بوده است. (همان)

«استاد شهید»، انقلاب اسلامی را راهی می‌داند که هدف آن، اسلام و ارزش‌های

اسلامی است و انقلاب و مبارزه، صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد. به عبارتی، ایشان معتقد به انقلاب اسلامی هستند، نه اسلام انقلابی؛ یعنی درست نیست که بگوییم، اسلام فقط برای مبارزه آمده و هدفی جز آن ندارد. بلکه باید گفت در اسلام دستورات بی‌شماری وجود دارد، که یکی از آنها مبارزه است. (همان: ۵۷)

ایشان همچنین می‌فرمایند:

قوی‌ترین حربۀ دفاعی این انقلاب و مؤثرترین اسلحه پیشرفت آن، ایمان ملت به نیروی خویش و بازگشت به ارزشهای اصیل اسلام است. غرب - منظور تمام ابرقدرتها است - از یک چیز وحشت دارد و آن بیداری خلق مسلمان است. اگر شرق بیدار شود و خود اسلامی خود را کشف کند، در آن صورت حتی بمب اتمی هم از پس این نیروی عظیم، این توده بپا خواسته برنخواهد آمد. راه این بیداری، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و ایدئولوژی خودمان است. (همان: ۱۲۲)

و سپس نتیجه می‌گیرند:

انقلاب ما آنوقت پیروز خواهد شد که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است به دنیا معرفی کنیم.... مکتبمان را بدون خجلت و شرمندگی آنچنان که واقعاً هست به جهانیان عرضه کنیم.... اما اگر قرار است به اسم اسلام یک مکتب التقاطی درست شود ... و بگوییم اینست اسلام، ممکن است مردم در ابتدا این امر را بپذیرند.... ولی این امر برای همیشه مکتوم نمی‌ماند. افرادی اهل فکر و تحقیق، حقیقت را می‌فهمند و مشخص می‌شود که مال اسلام نیست.... نتیجه این می‌شود که همین اشخاصی که با شوق به اسلام روی آورده بودند و همان افکار التقاطی را به نام اسلام پذیرفته بودند بعد از معلوم شدن حقیقت، با شدت و سرعت از اسلام گریزان می‌شوند.... انقلاب ما اگر می‌خواهد پیروزمندانه راه خودش را ادامه دهد، باید خود را از همه این پیرایه‌ها پاک کند و در راه احیای ارزشهای راستین اسلام، قرآن و اهل بیت حرکت کند. (همان: ۶۵ و ۶۶)

۲. عدالت اجتماعی

شهید مطهری، موضوع عدالت‌خواهی و تحقق عدالت اجتماعی را به عنوان یکی از شروط اساسی تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌داند و در این زمینه می‌گوید:

با وجود ماهیت اسلامی انقلاب، یعنی جامع تمام مفاهیم و ارزشها و هدفها در قالب و شکل اسلامی، در این صورت این انقلاب به شرطی در آینده محفوظ خواهد ماند و به شرطی تداوم پیدا خواهد کرد که قطعاً و حتماً مسیر عدالت‌خواهی را برای همیشه ادامه بدهد. یعنی دولت‌های آینده واقعاً و عملاً در مسیر عدالت اسلامی گام بردارند، برای پر کردن شکاف‌های طبقاتی اقدام کنند، تبعیضها را واقعاً از میان بردارند و برای برقراری یک جامعه توحیدی به مفهوم اسلامی آن، نه با مفهومی که دیگران گفته‌اند، تلاش کنند. در دولت اسلامی نباید به هیچ وجه ظلم و اجحافی به کسی بشود حتی اگر این فرد یک مجرم واجب‌القتل باشد... باز هم حقوقی دارد که آنها باید رعایت شوند. در این زمینه‌ها ما بهترین سرمشق‌ها را از مکتب علی (ع) می‌آموزیم. شما رفتار حضرت را با قاتلش ببینید، دنیایی از انسانیت، رأفت و محبت است. ... این چنین عدلی، باید برای همه ما سرمشق باشد. (همان: ۵۹ - ۶۰)

شهید مطهری به یک نکته ظریف تاریخی از اوایل حکومت حضرت علی (ع) اشاره

کرده و می‌گوید:

حضرت به مردمی که برای بیعت با او آمده بودند، فرمودند: «اگر خلافت را بپذیرم ... تمام ثروت‌هایی که در زمان عثمان از مردم به ناحق گرفته شده است همه را مصادره خواهم کرد. اگر چه با آن ثروت‌ها زن گرفته باشید و آنها را مهر زنان خود قرار داده باشید...» آنگاه حضرت به نکته بسیار عجیبی اشاره می‌کند. می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً» در عدالت ظرفیت و گنجایشی است که در چیز دیگری نیست... اگر ظرفی باشد که همه گروه‌ها و همه افراد را در خود بگنجاند و رضایت همه را بدست آورد، آن ظرف عدالت است. (همان: ۱۴۶ و ۱۴۷)

«استاد»، احساس خطر خود را از آینده انقلاب اسلامی چنین بیان می‌کنند:

من تأکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد. (همان)

۳. حفظ استقلال

استقلال به عنوان یکی از محورهای شعار اصلی انقلاب، یعنی؛ استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، مورد توجه شهید مطهری قرار دارد و علاوه بر عدالت و آزادی، حفظ استقلال

همه جانبه، به ویژه حفظ استقلال فکری و فرهنگی را شرط تضمین آینده انقلاب اسلامی قلمداد کرده است. (همان: ۶۵) شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید:

مردم در شعار استقلال، می‌خواهد از نظر سیاسی خودش برای خودش تصمیم بگیرد، از نظر علمی خودش برای خودش طرح‌ریزی کند، خودش برای اقتصاد خودش نظر بدهد. و بالاتر از همه اینها می‌خواهد استقلال فرهنگی، فکری و مکتبی خود را به دست آورد و خودش برای خودش فکر کند و فرهنگ بسازد. ... در دنیای امروز، علوم و فنون در کشورهای مختلف بطور مشابه مورد استفاده قرار می‌گیرد و هیچ ملتی نمی‌تواند ادعا کند که علم خاصی متعلق به اوست. اما علوم با مکتبها و ایدئولوژی‌ها و راه و رسم‌های زندگی تفاوت دارند. اینجا است که ملت‌ها حسابشان را جدا می‌کنند. هر ملتی که از خود مکتبی مستقل و استقلال فکری و رأی داشته باشد و زیر بار مکتب‌های بیگانه نرود، حق حیات دارد و هر ملتی که مکتب نداشته باشد و بخواهد مکتبش را از بیگانه بگیرد ناچار تن به بردگی بیگانه خواهد داد. (همان: ۱۶۰ و ۱۶۱)

«استاد شهید» در ادامه با اشاره به گرایش روشنفکران خود باخته به مکاتب غربی و یا

شرقی، ضمن محکوم کردن این عمل، چنین هشدار می‌دهد:

من هشدار می‌دهم، ما با گرایش به مکتبهای بیگانه استقلال مکتبی خودمان را از دست می‌دهیم... با این شیوه‌ها و با این طرز تفکر به استقلال فرهنگی نخواهیم رسید و به ناچار محکوم به فنا خواهیم بود... در حالی که ما مکتب مستقل و غیر نیازمند به غیر داریم، این از خودباختگی ماست که فکر می‌کنیم آنچه را داریم باید از دست بدهیم و کالای دیگران را مورد استفاده قرار بدهیم. (همان: ۱۶۲ و ۱۶۳)

«شهید» با تأکید بر استقلال مکتبی و فرهنگی، آینده انقلاب را با آن گره می‌زند

و می‌فرماید:

من بر روی مسأله استقلال، و بالاخص استقلال مکتبی زیاد تکیه دارم. ما اگر مکتب مستقل خودمان را ارایه نکنیم، حتی با اینکه رژیم را ساقط کرده‌ایم و حتی با این فرض که استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی را بدست آوریم، اگر به استقلال فرهنگی دست نیابیم، شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم. (همان: ۱۶۴)

۴. حفظ آزادی

«شهید مطهری» یکی دیگر از ارکان تداوم و استمرار انقلاب اسلامی را حفظ آزادی می‌داند، ولی آزادی به معنای معقول و در چارچوب اخلاق و اسلام را تبیین می‌کند. ایشان در این زمینه می‌گویند:

از آنجا که ماهیت این انقلاب ماهیتی عدالت‌خواهانه بوده است، وظیفه حتمی همگی ما این است که به آزادی‌ها به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا باشد حکومت جمهوری اسلامی، زمینه اختناق را بوجود بیاورد، قطعاً شکست خواهد خورد. البته آزادی غیر از هرج و مرج است و منظور ما، آزادی به معنای معقول آن است. (همان: ۶۲)

همچنین در ارتباط با دیدگاه اسلام نسبت به آزادی می‌نویسد:

اسلام دین آزادی است، دینی که مروج آزادی برای همه افراد جامعه است. در سوره دهر آیه ۳، می‌خوانیم: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا...» و یا در سوره کهف آیه ۲۹، آمده: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ...» اسلام می‌گوید دینداری اگر از روی اجبار باشد دیگر دین‌داری نیست. می‌توان مردم را مجبور کرد که چیزی نگویند و کاری نکنند، اما نمی‌توان مردم را مجبور کرد که این‌گونه یا آن‌گونه فکر کنند. (همان: ۶۲ و ۶۳)

همچنین در رابطه با آزادی فکر و بیان و قلم می‌فرماید:

هر کس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد... که در جامعه ما، محیط آزاد برخورد آراء و عقاید به وجود بیاید بطوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف‌هایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه‌ی سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می‌کند. (همان: ۶۳)

۵. معنویت اسلامی

از نظر شهید مطهری، یکی دیگر از ارکان انقلاب که حفظ آن در تحقق آرمان‌های

انقلاب اسلامی نقش اساسی دارد، «معنویت» است، البته معنویت از نوع اسلامی نه معنویت که مکاتب امروزی اومانیستی تبلیغ می‌کنند؛ معنویت اسلامی و قرآنی که انسان را همان طور که دعوت به اصلاح نظام روحی، فکری و اخلاقی می‌کند، اصلاح نظام اجتماعی و روابط بیرونی و به عبارتی، اصلاح درون و بیرون را از انسان طلب می‌کند. معنویت که در او ایمان به خدا و ایمان به مبدأ و معاد، وجود دارد. همچنین استاد شهید، اشاره دارند که: «اگر معنویت را فراموش کنیم، انقلاب خودمان را از یک عامل پیش‌برنده محروم کرده‌ایم.» (همان: ۱۶۶ - ۱۷۵)

۶. گذشته، چراغ راه آینده

«شهید مطهری» به منظور تبیین صحیح آینده انقلاب اسلامی، نیم‌نگاهی به گذشته را مورد نظر قرار داده است. ایشان در بحث رفتار شناسی جنبش‌های اصلاحی اسلامی صد ساله اخیر، ضمن بیان هشدارهایی از تجربه تاریخی نهضت‌های اسلامی، وظیفه رهبری انقلاب می‌داند که با تمام وسایل و امکاناتی که در اختیار دارد وارد صحنه شده و علاوه بر پیشگیری از نفوذ آفت‌های احتمالی، تمام تلاش خود را در جهت مبارزه و دفع آفات و آسیب‌های داخلی و خارجی موجود در کشور، مبذول دارد. همچنین بر این موضوع تأکید می‌کند که اگر رهبری نهضت به آفت‌ها توجه نداشته باشد و در آفت‌زدایی سهل‌انگاری کند، قطعاً آن نهضت، عقیم یا تبدیل به ضد خود خواهد شد و اثر معکوس خواهد بخشید. (مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر: ۸۹) سپس به تعدادی از آفت‌ها اشاره می‌کند که به اختصار به آنها می‌پردازیم:

الف) نفوذ اندیشه‌های بیگانه

اندیشه‌های بیگانه از دو طریق نفوذ می‌کند؛ یکی از طریق دشمنان و آن هنگامی است که نهضت، اوج گرفته و جاذبه پیدا کرده است و مکتب‌های دیگر را تحت الشعاع قرار داده است. در این هنگام، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوساندن

آن از درون، اندیشه‌های بیگانه‌ای را که با روح آن مکتب مغایر است، وارد آن مکتب می‌کنند و آن را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند و یا کم اثر می‌کنند. راه دیگر نفوذ از طریق دوستان و پیروان می‌باشد و آن هنگامی است که پیروان خود مکتب، به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌شوند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می‌دهند و عرضه می‌نمایند. (همان: ۹۰)

«شهید مطهری»، رهبران انقلاب را مورد خطاب قرار داده و چنین اتمام حجت می‌کند:

من به عنوان یک فرد مسئول به مسئولیت الهی به رهبران عظیم‌الشأن نهضت‌های اسلامی که برای همه شان احترام فراوان قائلم، هشدار می‌دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می‌کنم که نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی اعم از آنکه از روی سوء نیت و یا عدم سوء نیت صورت گیرد خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند. (همان: ۹۲)

«استاد» راه مبارزه با این خطر بزرگ را نیز بیان کرده است:

راه مبارزه، عرضه صحیح این مکتب در همه زمینه‌ها با زبان روز است. حوزه‌های علمیه ما که امروز اینچنین شور و هیجان فعالیت اجتماعی یافته‌اند باید به مسئولیت عظیم علمی و فکری خود آگاه گردند. باید کارهای علمی و فکری خود را ده برابر کنند، باید بدانند که اشتغال منحصر به فقه و اصول رسمی جوابگوی مشکلات نسل معاصر نیست. (همان: ۹۲ و ۹۳)

ب) تجدد گرایی افراطی

«شهید مطهری» ضمن توصیه به اعتدال در امور و پرهیز از افراط و تفریط، در مواجهه با مشکلات جامعه بشری و ارایه راه حل دینی برای آن، تجدد گرایی افراطی را از جمله آفت‌های نهضت قلمداد کرده و می‌گوید:

تجدد گرایی افراطی، که در حقیقت عبارت است از آراستن اسلام به آنچه از اسلام نیست، و پیراستن آن از آنچه از اسلام هست، بمنظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان

کردن، آفت بزرگی برای نهضت است و وظیفه رهبری نهضت است که جلو آن را بگیرد.
(همان: ۹۳ - ۹۵)

ج) نا تمام گذاشتن رهبری و هدایت نهضت

با توجه به تجربه نهضت های اسلامی صد ساله اخیر، «شهید مطهری» یک نقیصه را در رهبری روحانیت مطرح می کند و آن، این که روحانیت، نهضت ها را رهبری کرده و تا مرحله پیروزی نیز پیش رفته اند اما پس از آن، ادامه نداده و پی کار خود رفته اند که نتیجه آن را دیگران و احياناً دشمنان برده اند. در حالی که می توانستند با حضور در صحنه، نظام اسلامی را پایه گذاری و هدایت کنند. به این دلیل، «استاد شهید» اظهار نگرانی می کنند که نکند در مقاطع حساس، رهبران دینی و روحانیت، وظیفه خطیر خود را کنار گذاشته و نهضت را دچار آفت و آسیب کنند. (همان: ۹۵ و ۹۶)

د) رخنه فرصت طلبان

«شهید مطهری»، رخنه و نفوذ افراد فرصت طلب درون یک نهضت را از آفت های بزرگ آن بیان کرده و وظیفه مهم رهبران اصلی را بستن راه نفوذ و رخنه این گونه افراد می داند. همچنین می فرمایند:

در هر نهضت، مراحل دشوار اولیه بر دوش افراد مؤمن، مخلص و فداکار است، اما همین که نهضت به بار نشست، سر و کله افراد فرصت طلب پیدا می شود و تدریجاً مهم ترین عرصه ها را اشغال نموده و انقلابیون مؤمن و فداکار اولیه را از میدان به در می کنند. بنابراین، غفلت از نفوذ و رخنه فرصت طلبان فاجعه به بار می آورد. کما اینکه در انقلاب مشروطه چنین اتفاقی افتاد و استبداد را به دنبال داشت. و مبارزه با این وضعیت یکی از شرایط اصلی ادامه یک نهضت در مسیر اصلی است. (همان: ۹۶ - ۹۹)

ه) ابهام طرح های آینده

«شهید مطهری»، ضمن این که معتقد است، روشن نبودن طرح های آینده باعث پدید آمدن ضایعات می شود، در ارتباط با این موضوع می گوید:

نهضت باید طرح های روشن و خالی از ابهام و مورد قبول و تأیید رهبران ارائه دهد تا جلو ضایعات گرفته شود.... ما از نظر مواد خام فرهنگی فوق العاده غنی هستیم، نیازی از این نظر به هیچ منبع دیگری نداریم. تنها کاری که باید بکنیم استخراج و تصفیه و تبدیل این مواد خام به مواد قابل استفاده است و مستلزم بیدار دلی و کار و صرف وقت است. (همان: ۱۰۱)

و) از دست دادن خلوص نیت و انگیزه الهی

طبق دیدگاه «شهید مطهری»، یکی از آفت های هر نهضت، از بین رفتن خلوص نیت و انگیزه الهی در انقلابیون می باشد. ایشان معتقد است، نهضت خدایی باید برای خدا آغاز شود و برای خدا ادامه یابد و هیچ انگیزه غیر خدایی نباید در آن راه یابد، تا عنایت و نصرت الهی شاملش گردد. همچنین با استناد به آیه شانزده سوره رعد، می گوید: «خداوند وضع و سرنوشت مردمی را عوض نمی کند، مادامی که آنها خود را و آنچه به اندیشه ها و رفتارهای خودشان مربوط است، تغییر ندهند.» (همان: ۱۰۱ - ۱۰۳)

نتیجه

در این نوشتار، ضمن بیان ضرورت و اهمیت بحث از آینده انقلاب اسلامی، دیدگاه هایی هر چند مختصر در این زمینه، به ویژه با طرح دو دیدگاه از اندیشمندان داخل کشور ارایه شد. سپس به محور اصلی پژوهش که آینده انقلاب اسلامی در اندیشه شهید بزرگوار، استاد مرتضی مطهری بود، وارد شدیم و ضمن تبیین اسلام و ارزش های اسلامی به عنوان اصل محوری انقلاب اسلامی به چهار رکن دیگر انقلاب، یعنی عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و معنویت اسلامی که از نظر «استاد شهید» با تبیین و حفظ آنها، می توان تداوم و استمرار انقلاب اسلامی را تضمین کرد، اشاره نمودیم. در قسمت آخر نیز با توجه به دیدگاه شهید مطهری که یکی از شرایط تداوم نهضت را دفع آفات داخلی و خارجی می دانستند، به تعدادی از آفات اشاره کردیم.

نکته قابل توجه، این که با خواندن مقاله، شاید این موضوع به ذهن تبادر کند که

می‌توان مواردی بر محورهای مطرح شده افزود و غنای بیشتری به آن بخشید. اما باید توجه داشت که شهید مطهری بیش از چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بین ما نبودند. یعنی این‌گونه نبوده که با مسایل و مشکلات مواجه شوند و سپس برای آن راهکار ارائه کنند. (کما این که بسیاری از نظریه‌ها و دیدگاه‌های امروزی چنین است) بلکه با تیزبینی و آینده‌اندیشی‌ای که داشته‌اند و در فرصت زمانی کوتاه پس از انقلاب و بعضاً با توجه به تجربه نهضت‌های اسلامی، مطالبی بسیار ارزنده که می‌تواند برای امروز ما راه‌گشا باشد ارائه کرده‌اند. این شهید بزرگوار، خود نیز به این امر توجه داشته و در کتاب «پیرامون جمهوری اسلامی» بیان کرده‌اند که موارد یاد شده، قسمتی از شرط‌های لازم است نه همه شروط. (مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی: ۲۲ - ۲۴)

بنابراین، امید است که ضمن بهره‌برداری از اندیشه این بزرگوار، در پژوهش‌های بعدی بتوان مواردی که کمتر به آن پرداخته شده، مانند نقش رهبری انقلاب در تداوم و استمرار آن، مورد نظر قرار داد.

فهرست منابع

۱. برینتون، کرین، کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
۲. خمینی، روح الله، صحیفه نور، جلد ۱۲، تهران، مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۳. رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴. عسگری، علی، آینده انقلاب، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۵. محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای فرانسه و روسیه، قم، معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۶. _____، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۷. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
۸. _____، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
۹. _____، نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، تهران، صدرا، بی‌تا.
۱۰. مهدوی زادگان، داوود، عادی سازی جنبش‌های مردمی در ایران معاصر، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۰.